



فاجعه مهاجرت اهالی رشت به طهران

روزشمار تاریخی برهه‌ای از انقلاب جنگل ...

شدند و اکثریت فراریان پیاده از شهر خارج شدند. زن، بچه، پیر، جوان، پولدار، فقیر، روحانی، افراد شهربانی جلوی قزاقان راه افتاده بودند و به طرف قزوین می‌رفتند. خیلی از بچه‌های کوچک در راه تلف شدند. بنده دوستان و آشنایان و همسایگان را نصیحت می‌کردم که از شهر خارج نشوند و از رفتن عده زیادی مانع شدم، زیرا می‌دانستم که خلیجها در راه تلف خواهند شد. در تمام مدت شب فرار مردم ادامه داشت...»

در نیمه دوم شهریور ماه ۱۲۹۹ ش، جنگ میان قوای دولتی و بلشویکها و انقلابیهای سرخ در منطقه منتهیل شروع و کم‌کم جبهه جنگل به امامزاده هاشم منتقل گردید.

۱ مهر ۱۲۹۹

در اول مهر ۱۲۹۹ بلشویکها برای بار دوم رشت را تخلیه کردند و تا حسن رود و انزلی عقب نشستند. قشون انگلیس مستقر در رودبار و رستم‌آباد، حفظ پشت جبهه قزاقها را به عهده گرفته بودند. قزاقها وارد رشت شدند. چون موقع محرم بود، اهالی که در زمان بلشویکها از رفتن به مسجد احتراز داشتند، شروع به عزاداری کردند و شهر مرده دوباره جان گرفت. این بار قوای قزاق حدود یک ماه در رشت توقف کرد.

در آخر مهرماه ۱۲۹۹ شمسی، قزاقها با همان سرعت که پیشروی کردند و بلشویکها را تا هفت کیلومتری غازیان به عقب راندند، رشت را تخلیه کردند و به سوی رودبار عقب نشستند و در آنجا مستقر شدند.

بدین ترتیب دوباره شهر رشت را تسلیم بلشویکها کردند. بلشویکها پس از ورود به رشت با انتشار اعلامیه‌ای، رشادت رفقای سرخ را در تصرف شهر رشت ستودند.

گفته شده است که فرمان عقب‌نشینی فرمانده نظامی قزاقها (استاروسلسکی) با تباتنی فرمانده قوای نظامی انگلیس (ژنرال آبرونساید) و در ارتباط با گفتگوهای پشت پرده دولتهای شوروی و بریتانیا برای تهیه مقدمات کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ بوده است.

۲۹ مهر ۱۲۹۹

مهاجرت اهالی رشت که از عصر روز جمعه ۵ شهریور ۱۲۹۹ ش آغاز شده و پس از ورود دوباره قوای دولت مرکزی به رشت در مهرماه کاهش یافته بود و بعد از عقب‌نشینی دوباره این قوا شدت بیشتری گرفت، در ۲۹ مهر ۱۲۹۹ ش (۸ صفر ۱۳۳۹ ق) همزمان به عقب‌نشینی قزاقها از رشت به اوج خود رسید. تعداد مهاجران را که تدریجاً به طرف تهران به حرکت در آمدند تا حدود شصت هزار نفر هم گزارش کرده‌اند.

«... بعضی از این بیچاره‌ها با داشتن همه چیز در شهر خود در تهران این سبیل بودند...»

رفتند و تعقیب آنها به وسیله قوای مرکزی ادامه یافت. در این هنگام روسها از دریا، عده‌ای قشون را در حسن رود و در پشت قزاقها پیاده کردند. از دریا نیز به وسیله کشتیهای جنگی با گلوله‌های توپ، قزاقها را بمباران کردند. پس از سه شبانه‌روز و آنجا به سوی رودبار و منجیل عقب‌نشینی کردند. پیروزی قوای دولت مرکزی بیش از پنج روز طول نکشید و دوباره بلشویکها بر رشت مسلط شدند و تا امامزاده هاشم نیز پیش رفتند. نیروهای شوروی و احسان‌الله خان بار دیگر رشت را اشغال کردند.

۵ شهریور ۱۲۹۹

عصر روز ۵ شهریور ۱۲۹۹ شمسی، عقب‌نشینی قزاقان از رشت شروع و در همان شب فرار و مهاجرت اهالی شهر هم آغاز شد. به گزیده‌ای از گزارش جداگانه مربوط به این مهاجرت اشاره می‌شود:

«... به این مهاجرت سریع و برق‌آسا نام فاجعه نهاده شد. زیرا مهاجرین حتی موفق نشدند پولهای نقد و موجودی صندوقها را که به آن احتیاج پیدا می‌شد، بردارند و یا اشیای سبک وزن و سنگین قیمت را از خانه‌هایشان ببرند و یا فرزندان و بستگانشان را از خطرات متصوره باخبر کنند. مادر از فرزند و خواهر از برادر بی‌اطلاع بودند و دیوانه‌وار، پیاده و سواره راه قزوین را در پیش گرفتند. شتاب و عجله آنقدر بی‌مطالعه و غیرمنتظره صورت گرفت که عده‌ای از مهاجرین به علت سرما و نداشتن وسایل زندگی و حتی از گرسنگی تلف شدند...»

در این هنگام میرزا را فومن اقامت داشت و در جنگهای ارتش سرخ و قزاقان بی طرف بود، اما مهاجرت و دربه‌در شدن مردم رشت او را بی‌نهایت شکسته و خسته کرده بود.

«... عصر روز جمعه ۵ برج سنبله [شهریور] ۱۲۹۹ هجری شمسی، مهاجرت دسته‌جمعی شروع شد... یک عده به طرف

لاهیجان و عده دیگری به سمت فومن و جمعیت کثیری جلوی قزاقها به طرف قزوین در جاده عراق حرکت کردند. به قدری رعب و هراس در دلها ایجاد شده بود که هیچ حرفی برای جلوگیری از مهاجرت آنها مؤثر واقع نمی‌شد. نصف بیشتر جمعیت حرکت کردند و نصف کمتر باقی ماندند. رشت به شکل قبرستانی در آمد

و از هیچ جاصدایی بلند نبود. در خیابانها و معابر عمومی ندرتاً یک یا دو نفر از دور دیده می‌شدند که به عجله در حرکت بودند و معلوم نبود به کجای می‌روند...»

«... تقریباً سه ربع اهالی شهر در مدت شب ششم سنبله [شهریور] از شهر خارج شدند. بعضیها به هدایت اطراف شهر، بعضیها به محلاتی که تحت تسلط میرزا کوچک خان بود و اکثریت فراریان به طرف قزوین رفتند. کلیه وسایل نقلیه مانند درشکه، ارابه، گاری، دوچرخه برای حمل مردم به کار گرفته

در روز یکشنبه ۱۶ خرداد ۱۲۹۹ شمسی، قوای جنگل با انتشار بیانیه‌ای، تشکیل «کمیته انقلاب سرخ ایران» و «الغاء اصول سلطنت» و «تأسیس حکومت جمهوری» را اعلام کرد. یک روز بعد، کمیته انقلاب، نام اعضای هیئت دولت جمهوری را اعلام کرد. در این هیئت، میرزا عنوان سرکمیسر و کمیسر جنگ را داشت. هنوز دولت تازه انقلابی سامان نگرفته بود که با حمایت بلشویکهای روس، اغتشاش انقلابیهای سرخ طرفدار شوروی آغاز شد و مصلحت‌اندیشیهای میرزا هم کارساز نشد.

۱۸ تیر ۱۲۹۹

در روز جمعه ۱۸ تیر ۱۲۹۹ شمسی، میرزا به عنوان اعتراض از رشت به فومن رشت رفت و قبل از حرکت دو نفر نماینده را با نامه مفصلی برای لنین به مسکو فرستاد و در آن نامه متذکر شد که: «... در موقع خود به نمایندگان روسیه اظهار کردم که ملت ایران حاضر نیست پروگرام بلشویکها را قبول کند...»

۲۳ تیر ۱۲۹۹

در ۲۳ تیر ۱۲۹۹، فرمان احمد شاه خطاب به رئیس کل قزاقخانه ایران برای اعزام قوای دولتی به گیلان صادر شد.

۹ مرداد ۱۲۹۹

در روز شنبه ۱۲۹۹ شمسی با رهبری و حمایت فرمانده قوای مسلح شوروی و مدیریت بخش سیاسی و امنیت نظامی آن در رشت، بر ضد میرزا کودتای سرخ انجام گرفت و همه طرفداران میرزا را دستگیر و بازداشت کردند. اداره‌های دولتی به وسیله عوامل کودتای سرخ تسخیر و تشکیل دولت جدیدی اعلام شد. در این دولت کودتای سرخ، احسان‌الله خان سرکمیسر و کمیسر خارجه و سید جعفر جوادزاده (پیشه‌وری) کمیسر داخله بودند.

۲۷ مرداد ۱۲۹۹

قوای دولتی در ۲۷ مرداد، منجیل را تصرف کرد. قوای دولت کودتای سرخ و بلشویکها به طرف رشت عقب نشستند.

۳۱ مرداد ۱۲۹۹

قوای دولتی اعزامی از مرکز در صبح ۳۱ مرداد وارد شهر رشت شدند. رئیس کل قزاقخانه ایران در تلگرافی به احمدشاه اعلام کرد:

«در ساعت هشت و نیم روز ۲۲ اوت (۳۱ مرداد)، شهر تصرف شد و مردم استقبال شایان کردند. بلشویکها شهر را آتش زدند و عقب نشستند. بهترین قسمت بازار سوخت و انقلابیون آنچه را که توانستند غارت کردند و بردند...»

بلشویکها به طرف خمام و از آنجا به سوی حسن رود و غازیان